



فصلنامه علمی پژوهشی اخلاق پژوهی

سال نهم • شماره اول • بهار ۱۴۰۵

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 9, No. 1, Spring 2026



تعالی، احساسی مغفول در قلمرو اخلاق؛

تحلیلی انتقادی

مسعود صادقی* 

 10.22034/ethics.2026.52311.1852

چکیده

مقاله پیش رو بر اساس روش تحلیلی - توصیفی و با هدف تحلیلی انتقادی از احساس تعالی سامان یافته است. مسئله اصلی در این مقاله این است که محرک اصلی احساس تعالی نمی تواند تنها رفتار اجتماعی یاریگرانه و استثنایی باشد. البته، استثنایی بودن محرک احساس تعالی چندان قابل تردید نیست و تجربه شخصی ما نیز نشان می دهد رفتارها یا رویدادهایی قابل پیش بینی و عادی به تحریک حس تعالی نمی انجامد، اما در مورد رفتار یاریگرانه اجتماعی تأمل بیشتری باید به خرج داد. تأثیر این احساس در همه حیطه های رفتاری یکسان نیست. دست کم بر اساس پژوهش های کنونی، احساس تعالی تأثیر چندانی بر رفتارهای عدالت طلبانه یا اعتراضی ندارد. ضمن آنکه همه افراد نیز به یک اندازه از این احساس اثر نمی پذیرند و بسته به شدت یا ضعف هویت و یا حساسیت اخلاقی آنها این احساس تأثیری متفاوت بر افراد می نهد. در مجموع و بر اساس یافته های مقاله می توان گفت محرک احساس تعالی محصور در رفتارهای یاریگرانه اجتماعی نیست و زیبایی های شگفت انگیز، ریاضت ها و نیایش های عمیق و به دور از جلوه گری، گذشت از خطاهای بزرگ و مانند آن نیز می تواند محرک احساس تعالی باشد.

کلیدواژه ها

احساسات، احساس تعالی، احساس اخلاقی، خشیت، تحسین.

* دانشیار گروه اخلاق پزشکی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. | masoud.sadeghi@kums.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۴ □ تاریخ تأیید: ۱۴۰۵/۰۲/۲۴

■ صادقی، مسعود. (۱۴۰۵). تعالی، احساسی مغفول در قلمرو اخلاق؛ تحلیلی انتقادی. فصلنامه اخلاقی پژوهی. ۹(۳۰)، ۵۰-۳۱.
doi: 10.22034/ethics.2026.52311.1852

تعالی اخلاقی^۱ اگرچه مفهوم روان‌شناختی جدیدی است که توسط هایت و همکارانش در سال ۲۰۰۰ پیشنهاد شده و روان‌شناسی مدرن به تازگی شروع به توضیح این احساس کرده، اما بشریت برای سده‌های متمادی این احساس را تجربه کرده و به شکلی اجمالی بر آن وقوف داشته است. به عنوان مثال، افلاطون در رساله مهمانی و با اشاره به زیبایی اصلی و حقیقی معتقد است فقط کسی که آن زیبایی راستین را با دیده روح بنگرد و از زیبایی‌های زمینی که اشباح و سایه‌های زیبایی راستینند روی برتابد، به زادن و پروردن فضائل حقیقی توانا می‌گردد (افلاطون، ۴۳۷، ص ۱۴۰۱). در اینجا افلاطون بی آنکه جولان چندانی بر روی این نکته مهم بدهد و یا این مسئله را بسط فراوانی دهد بر اصل وجود احساس تعالی اشاره می‌کند و دقیقاً همانند هایت (اما بیش از دو هزار سال پیش‌تر) زیبایی حقیقی را الهام‌بخش و محرک فضیلت‌مندی معرفی می‌نماید. حتی برخی معتقدند در تاریخ هنر و معماری دینی، بازگویی مکرر داستان‌های مذهبی و نقش تصاویر قدیسان و بزرگان دین در اماکن مقدس نظیر کلیساها نیز برای برانگیختن نوعی تعالی اخلاقی طراحی شده است (Yao & Enright, 2018, p. 2)؛ زیرا احساس تعالی از جهتی به یک تجربه زیبایی‌شناختی شبیه است که هنگام مشاهده یک شیء یا صحنه زیبا احساس می‌شود، اما بر خلاف تجارب صرفاً زیبایی‌شناختی، «تعالی» گاهی می‌تواند منجر به تغییرات رفتاری شود و تمایلات عملی به نزدیک‌تر شدن به افراد دیگر و پاسخ‌گویی اجتماعی بیشتر در قبال نیازها و علایق دیگران را برانگیزد (Aquino & others, 2011, p. 703). اهمیت احساس تعالی در این است که از حمله معدود احساسات اخلاقی مثبتی است که با دو معیار مهم بی‌طرفی^۲ و یاریگری جامعه مطابقت دارد و محرک آن نیز فضیلت یا زیبایی اخلاقی یا طبیعی است.

معمولاً گفته می‌شود احساس تعالی^۳ را اولین بار توماس جفرسون در نامه‌ای به صورت واضح توصیف کرده است. یکی از دوستان جفرسون در مورد اینکه چه کتاب‌هایی را برای کتابخانه خود بخرد راهنمایی خواسته بود. جفرسون اگرچه در پاسخ، فهرستی طولانی از کتب در زمینه تاریخ، فلسفه، حقوق و سایر رشته‌های علمی ارائه کرد، اما ضمناً به دوستش توصیه کرد که برخی از رمان‌ها و نمایشنامه‌ها را بخرد که در آن زمان به دلیل توسل آنها به احساسات و الگوهای



1. moral elevation
2. disinterestedness
3. elevation

اخلاقی، ارج و قرب چندانی نداشتند. جفرسون توصیه غیر متعارف خود را اینگونه توجیه کرد که قرار گرفتن مکرر در معرض الگوهای اخلاقی منجر به برانگیختن احساسات قوی و مفید و تقویت رشد اخلاقی می‌شود. وقتی هر عمل خیر یا قابل ستایشی را با چشم سر یا تخیل خود می‌بینیم عمیقاً تحت تأثیر زیبایی آن قرار می‌گیریم و تمایل شدیدی در خود احساس می‌کنیم که کارهای خیر و ستودنی انجام دهیم. برعکس، وقتی عمل ظالمانه‌ای را می‌بینیم یا می‌خوانیم، از بدی آن منزجر می‌شویم و از آن رذیلت احساس تنفر می‌کنیم (Vianello & others, 2010, p. 391). با تکیه بر مشاهدات توماس جفرسون، هایت و همکارانش از اصطلاح تعالی برای توصیف احساسات مثبتی استفاده کردند که فرد هنگام تماشای شخص دیگری در حال انجام یک عمل فضیلت‌مندانه یا زیبایی اخلاقی احساس می‌کند؛ عملی که باعث بهبود رفاه و بهروزی دیگران می‌شود. این محققان با استفاده از خاطرات شرکت‌کنندگان از تجربیات گذشته، پاسخ‌های آنها به محرک‌های تجربی و گزارش واکنش‌های آنها، شواهد قابل توجهی را از دانشجویان آمریکایی و شواهدی محدودتر از مصاحبه با روستاییان در هند و افرادی از طبقات مختلف ژاپن ثبت و تحلیل کردند. بر اساس یافته‌های آنها تعالی، احساسی گرم و شاد است که افراد با مشاهده یا تجربه غیرمنتظره نیکی، مهربانی و شفقت انسانی تجربه می‌کنند. این احساس باعث می‌شود که شخص بخواهد به دیگران کمک کند و فرد بهتری شود. شواهد تجربی و شهود شخصی ما حاکی از وجود چنین احساسی است (Haidt, 2000, p. 1). برخی تعالی را نقطه مقابل انزجار اجتماعی می‌دانند. البته، اگر انزجار را یک احساس منفی و به مثابه دلزدگی نسبت به اعمال غیراخلاقی دیگران تعریف کنیم (Thomson & Siegel, 2017, p. 1).

محرک احساس تعالی

در یکی از نخستین کارهای جدی و تجربی در این مورد، هایت و همکارانش از مردم خواستند تا با ذکر جزئیات در مورد پنج موقعیتی بنویسند که به نظر می‌رسد بیشترین زمینه ایجاد احساسات مثبت را فراهم می‌آورد. در گام بعدی پرسش‌هایی در مورد تغییرات فیزیکی، افکار، تمایلات عملی یا انگیزه آنها مطرح می‌شود. در یک مورد، از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا لحظات یا زمانی خاص را توصیف کنند که با تجلی یا تجربه امر والا یا بهتر همراه بوده است. پاسخ افراد



جالب است. بیشتر آنها می‌گویند وقتی می‌بینند شخصی به یک فقیر، بیمار یا سرگردان در شرایط دشوار کمک می‌کند احساس تعالی را تجربه می‌کنند (Haidt, 2000, p. 3)، اما آدم اسپارک و همکارانش معتقدند تعالی در اثر مشاهده یک رفتار اجتماعی یاریگرانه استثنایی رخ می‌دهد. یعنی صرف یاریگری اجتماعی، محرک تعالی نیست و باید جنبه استثنایی و غافلگیرکننده داشته باشد. رفتار اجتماعی یاریگرانه^۱ به رفتاری اطلاق می‌شود که یک یا چند نفر به یک یا چند نفر دیگر با قبول هزینه تعامل و همکاری منفعت می‌رسانند. قید استثنایی نشان می‌دهد که رفتار اجتماعی مشاهده شده باید نادر، برجسته و غافلگیرکننده یا به نحوی خلاف انتظار فرد باشد. مجموعه‌ای از محرک‌هایی که باعث تحریک احساس تعالی می‌شوند، طیف و زنجیره‌ای از رفتارهای اجتماعی معمول تا نامعمول هستند. دیدگاه اسپارک تا حدودی با سایر محققان متفاوت است چراکه دیگران عمدتاً مشاهده زیبایی اخلاقی را به عنوان شرط محرک برای تعالی تعریف می‌کنند، به ویژه رفتار خیرخواهانه‌ای که نشان از شفقت یا مهربانی غیرمنتظره باشد، اما اسپارک بدون رد این نکته بر هزینه‌های تعامل و همکاری استثنایی و رفتار یاریگرانه اجتماعی در موضوع احساس تعالی تأکید دارد (Sparks & others, 2019, p. 2).

برانگیختن احساس تعالی از پیامدهای عمل اخلاقی برانگیزاننده احساس تعالی نیز به شدت متأثر است. آزمایش یائو و انرایت نشان می‌دهد یک فعل اخلاقی با پیامدهای خوب منجر به ارتقای اخلاقی بالاتری می‌شود و یک عمل اخلاقی با پیامدهای بد باعث ارتقای اخلاقی پایین‌تر. این نتایج با فرضیه‌های آنها کاملاً سازگار بود و نشان داد که نتیجه یک عمل اخلاقی عامل مهمی در به حداکثر رساندن تعالی اخلاقی است (Yao & Enright, 2018, p. 7).

مردم بیشتر با سه نوع از زیبایی یعنی زیبایی اخلاقی، زیبایی طبیعی و زیبایی هنری سروکار دارند. خصلت یا توانایی شخصیتی برای مواجهه با زیبایی اخلاقی (یعنی میزان تأثیرپذیری افراد از زیبایی اخلاقی) یک عنصر کلیدی برای درک این نکته است که چه کسی احتمال دارد تعالی بیشتری را تجربه کند. برخی از پژوهش‌ها نشان داد، درگیر شدن با زیبایی اخلاقی و تحریک احساس تعالی، تمایل افراد را برای تبدیل شدن به فرد بهتر و انجام کارهای خوب بیشتر می‌کند. نکته جالب اینکه مواجهه با زیبایی طبیعی نیز تمایل شرکت‌کنندگان به انجام کارهای خوب را تسهیل می‌کند، اما این حالت، انگیزه فرد برای تبدیل شدن به شخصیتی بهتر را افزایش نمی‌دهد.

1. prosocial

دستر و همکارانش در این مطالعه از شرکت‌کنندگان خواستند تا دریافت و حالت خود از آن چیزی که احساس می‌کنند زیباست را توصیف کنند. قرار بر این شد که نحوه مواجهه خود با رفتارهای انسانی و اخلاقی زیبا (عمل نیک در گسترده‌ترین تعریف آن)، مصنوعات انسانی زیبا (هنرها و صنایع دستی در گسترده‌ترین تعریف آن) و پدیده‌های طبیعی زیبا را به مدت ۱۲ هفته ثبت کنند. در این میان، رمان‌ها معمولاً ابزار رویارویی با زیبایی اخلاقی شدند؛ داستان‌هایی درباره افرادی که وقت خود را برای حمایت یا کمک به شخص دیگری صرف کردند. تجربه زیبایی هنری از طریق خلاقیت‌های هنری کودکان، طراحی، معماری و قطعات موسیقی روی داد و تجربه زیبایی طبیعی بیشتر با تماشای غروب، آسمان و گل‌ها بود (Diessner & others, 2006, p. 301). بنابراین می‌توان گفت احساس تعالی نه فقط به تحریک نوع خاصی از رفتارهای یاریگرانه اجتماعی بلکه به واسطه تجربه زیبایی‌های معنوی، اخلاقی، هنری و طبیعی نیز می‌تواند برانگیخته شود و ادعای انحصار در این باب موجه نیست.



علائم احساس تعالی

یکی از راهکارهای پژوهشگران در مطالعات تجربی روی احساس تعالی، بررسی وضعیت و واکنش‌های فیزیولوژیک افراد هنگام شنیدن یک خاطره اخلاقی، یا تماشای یک فیلم یا رفتار الهام‌بخش و فضیلت‌مندانه از یک الگوی اخلاقی است. پس از این از شرکت‌کنندگان پرسیده می‌شود که احساس می‌کنند چه تغییرات فیزیولوژیک خاصی را تجربه کرده‌اند؟ در میان نمونه‌هایی از دانشجویان آمریکایی، یافته‌ها نشان داده‌اند که آنها پس از تماشای یک قطعه فیلم برانگیزاننده احساس تعالی، مورمور شدن، احساس کمی لرزش یا حتی یخ‌زدگی لحظه‌ای یا وجود نوعی توده در گلو و جمع شدن اشک در چشمان را گزارش دادند (Thomson & Siegel, 2017, p. 2).

فراتر از این روش‌های خودگزارش‌دهی، دانشمندان مکانیسم‌های بیولوژیکی را نیز بررسی کرده‌اند که وقتی افراد حالت زیبایی اخلاقی را تجربه می‌کنند، فعال می‌شوند. به عنوان مثال، سیلورز و هایت ارزیابی کردند که آیا ترشح اکسی توسین در طول تجربیات متعالی رخ می‌دهد یا خیر. نویسندگان به طور تصادفی مادران را به تماشای یک ویدیوی اثرگذار بردند در حالی که آنها به دستگاهی متصل بودند که میزان شیردهی آنها را اندازه‌گیری می‌کرد، یعنی روشی برای اندازه‌گیری غیرمستقیم اکسی توسین. ترشح شیر مادران در شرایط تعالی به طور قابل توجهی

افزایش یافت که این فرضیه آنها مبنی بر اینکه اکسی توسین یک مکانیسم بیولوژیکی است که ممکن است با تعالی مرتبط باشد را تأیید می‌کند (Silvers & Haidt, 2008, p. 293). در مطالعه‌ای دیگر، افزایش ضربان قلب نیز مشاهده شده است (Thomson & Siegel, 2017, p. 3)، اما از منظر روان‌شناختی چطور؟ تعالی یک احساس مثبت و متمایز است که (الف) افراد را تشویق می‌کند تا احساس بالارفتن و رفعت کنند و (ب) دیدگاه‌های خوش‌بینانه‌تری نسبت به انسانیت پیدا کنند. بر اساس مطالعه آلگو و هایت، تعالی باعث می‌شود که مردم به طور کلی نسبت به یکدیگر منعطف و گشوده‌تر شوند. تعالی (در مقایسه با شادی یا سرگرمی) بیشتر انگیزه انجام کارهای خوب برای دیگران، تبدیل شدن به فرد بهتر و الگوبرداری از یک الگوی فضیلت‌آمیز را فراهم می‌نماید (Algoe, S. B., & Haidt, 2009, p. 23). نکته مهم اینکه این احساس اگرچه گشودگی و گرمی نسبت به دیگران و انگیزه رفتارهای دگرخواهانه را افزایش می‌دهد، اما هنگامی که انجام چنین اقدامی دشوار باشد ممکن است به اقدام نوع دوستانه فوری منجر نشود (Algoe, S. B., & Haidt, 2009, p. 24). در واقع، این احساس با همه قابلیت‌هایی که دارد می‌تواند از یک حال خوش یا حالت گذرا فراتر نرود. برای اینکه معلوم شود احساس تعالی دقیقاً چه تأثراتی را در عمل رقم می‌زند باید تأمل و پژوهش‌های بیشتری انجام پذیرد. این موضوع را در قالب کارکردهای تعالی در ادامه اندکی بیشتر واکاوی خواهیم نمود.

کارکرد تعالی

به طور خلاصه می‌توان گفت کارکرد احساس تعالی این است که هنگامی که آدمیان اعمال مشفقانه و البته، غیرمنتظره را مشاهده می‌کنند معمولاً متعجب، حیرت‌زده و از نظر احساسی متأثر می‌شوند، دیدگاه آنها در مورد بشریت به شکلی خوش‌بینانه‌تر تغییر می‌کند و انگیزه‌های اجتماعی بیشتری در آنها ایجاد می‌گردد، یعنی افراد تصمیم می‌گیرند یا تمایل بیشتری می‌یابند تا انسان بهتری شوند (Haidt, 2000, p. 4).

پژوهشگران به کارکردهایی برای تعالی دست یافته‌اند که هایت نیز در کارهای نخست خود متوجه آن نبوده است. به عنوان مثال، یک تحقیق تجربی به طور تصادفی دانش‌آموزان دبیرستانی بلژیکی را برای دریافت القانات عاطفی متفاوت انتخاب کرد و دریافت که تجربیات مرتبط با احساس تعالی، احساس تعالی معنوی یعنی احساس ارتباط با چیزی بزرگتر از خویش را

افزایش می‌دهد. در آزمایشی از پیامدهای بالقوه احساس تعالی، محققان متوجه شدند که تجارب احساس تعالی در میان افراد افسرده منجر به بهبود و ارتقای اهداف می‌شود، یعنی در نگاه آنان جایگاه معنویت بیشتر و ارزش پول، شهرت و خودنمایی کمتر می‌شود. ضمن اینکه در میان شرکت‌کنندگان با سطوح بالای علائم افسردگی، آنهایی که یک داستان محرک احساس تعالی را می‌خواندند، میزان تمایل بیشتری برای کمک گرفتن برای رهایی از افسردگی بروز داده شد (Thomson & Siegel, 2017, p. 4).

مطالعه‌ی اِشْنال و همکارانش نشان داد که افزایش سطح تعالی باعث افزایش رفتارهای خیر و امدادگرانه می‌شود. شرکت‌کنندگانی که احساس می‌کردند احساس تعالی داشتند، زمان بیشتری برای کمک به آزمایش‌کننده نسبت به شرکت‌کنندگانی که احساس سرگرمی می‌کردند یا در شرایط کنترل بودند و وضعیت عاطفی تا حدودی مثبتی داشتند، صرف کردند. این تفاوت در کمک‌رسانی به حدی بود که شرکت‌کنندگان در شرایط تعالی تقریباً دو برابر بیشتر از شرکت‌کنندگان در سایر شرایط برای کمک وقت صرف کردند. شرکت‌کنندگان برای یک آزمایش یک ساعته ثبت‌نام کردند، اما بعد از ۱۰ تا ۱۵ دقیقه آزاد بودند آنجا را ترک کنند. در شرایط تجربه تعالی، شرکت‌کنندگان زمان زیادی را صرف ادامه کار می‌کردند (Schnall & others, 2010, p. 319).

نتایج مطالعه‌ی دیگر نشان داد احساس تعالی می‌تواند افراد را وادار کند که ارزش‌های اخلاقی اساسی را پس از برجسته‌تر شدن در ذهنشان در عمل بهتر و بیشتر به کار ببرند: شرکت‌کنندگانی که ابتدا ویژگی مثبتی را که دارند به خود یادآوری کردند و سپس یک ویدیوی تعالی‌بخش را تماشا کردند در قیاس با شرکت‌کنندگانی که فیلمی با محتوای نسبتاً خنثی تماشا کردند بیشتر در رفتارهای خیر و امدادگرانه مشارکت جستند (Schnall & Roper, 2012, p. 376).

نتایج یک مطالعه دیگر نشان داد پس از خواندن روایت‌های مکتوب و یا ویدیوهای محرک تعالی، تغییرات قابل توجهی در احساسات منفی، شناخت خود و دیگران و سرزنش خود رخ می‌دهد. با توجه به یافته‌ها، قرار گرفتن در معرض ویدئوهای محرک تعالی حتی ممکن است ادراکات و احساسات مربوط به تروما را در میان نمونه‌ای از جانبازان و کهنه‌سربازان مبتلا به اختلال اضطراب پس از سانحه (PTSD) نیز تغییر دهد (McGuire & others, 2022, p. 9).

کارکرد مثبت احساس تعالی در مناسبات سازمانی نیز مورد پژوهش قرار گرفته است. بر اساس نتایج، اولاً کارکنان توجه زیادی به رفتار اخلاقی رهبران و مدیران خود دارند و ثانیاً در صورت مشاهده انصاف و صداقت اخلاقی در رفتار آنان، به شکلی مثبت و قوی به آن واکنش



نشان می‌دهند. نکته مهم این است که احساس تعالی نقش قدرتمند و اصلی را در این زمینه ایفا می‌کند و در قیاس با احساس شادی، آرامش و...، مسئول ترویج نگرش‌های مثبت و رفتار سازمانی فضیلت‌مندانه است (Vianello & others, 2010, p. 405). آنها دریافتند که رفتارهای عادلانه و فداکارانه رهبران و مدیران است که جرقه پیشرفت در پیروان را می‌زند. رهبران عادل و فداکار وقتی می‌توانند از پیروان خود انتظار رفتارهای اجتماعی یاریگرانه و با فضیلت داشته باشند که در آنها احساس تعالی را برانگیزانند (Vianello & others, 2010, p. 403).

تفاوت تعالی با دو احساس هم‌خانواده

سپاسگزاری

سپاسگزاری و تعالی به عنوان دو احساس دگرستایشگرانه^۱، متضمن مشاهده رفتار اجتماعی یاریگرانه هستند، اما می‌توان آنها را به صورت تجربی از یکدیگر متمایز کرد.^۲ به زبان ساده، سپاسگزاری زمانی احساس می‌شود که منافع و خیراتی از دیگری دریافت شود. سپس در واکنش، انگیزه‌های اجتماعی به سمت خیر و جبران هدایت می‌گردد (صادقی، ۱۴۰۴، ص ۲۲). در مقابل، تعالی به طور کامل در چارچوب این منطق دوجانبه و مستقیم نمی‌گنجد: از حیث محرک، تعالی معمولاً نه به واسطه مشاهده فرد یا رفتاری که به ما خیر می‌رساند بلکه با مشاهده یا آگاهی از رفتار ستایش‌برانگیز شخصی دیگر ایجاد می‌شود. البته، کاملاً این امکان وجود دارد که یک رفتار خوب، هم محرک سپاسگزاری باشد و هم تعالی (Sparks & others, 2019, p. 18).

به عنوان مثال، من در مقابل گذشت یا سخاوتمندی بزرگ و مهم یک فرد در حق خودم ممکن است تعالی و سپاسگزاری را توأمان تجربه کنم و در اثر احساس سپاسگزاری تصمیم به تقدیر، تحسین و جبران بگیرم و تحت تأثیر احساس تعالی، بیشتر و بهتر بخواهم در حق دیگران رفتارهایی مثبت و خیرخواهانه انجام دهم. ضمن آنکه از یاد نبریم هر رفتار یاریگرانه‌ای، هر قدر پیش پا افتاده، می‌تواند محرک احساس سپاسگزاری باشد، اما احساس تعالی به این سادگی‌ها برانگیخته نمی‌شود.

1. Other-Praising

۲. جاناناتان هایت، چهار خانواده از عواطف اخلاقی را با ویژگی‌های متمایز شناسایی می‌کند که شامل احساسات دگر محکوم‌گرانه، خودآگاهانه، دگر نرجورانه و دگر ستایشگرانه می‌گردد (Haidt, 2003, pp. 861-863).

خشیت

خشیت یا ترس احترام‌آمیز را به عنوان برگردانی برای احساسی موسوم به AWE برگزیده‌ام. این احساس را با حیرت، شگفتگی، ترس یا احترام نباید خلط کرد. خشیت ترکیبی است از ترس و احترام. بسا احترامی که با ترس همراه نیست و چه بسیار ترس‌هایی که به احترام نمی‌انجامد. این همنشینی این دو با یکدیگر است که خشیت را رقم می‌زند. ممکن است بگویید این تعبیر بیش از حد ظنین و رنگ و بویی دینی دارد، اما پژوهشگران این حیطه، نظیر کنتلر و هایت نیز اذعان دارند که احساس و معنای خشیت بیشتر در متون و مباحث دینی و در رابطه میان انسان و خدا/خدایان مشهود و برجسته است. برای مثال، در سنت‌های هندو و در قسمتی از حماسه مهابهاراتا یعنی به‌گود گیتا که حول مبارزه بین دو شاخه از یک خانواده سلطنتی برای کنترل یک پادشاهی می‌چرخد، قهرمان داستان، آرجونا، به دلایلی انگیزه‌اش را از کف داده و از جنگیدن خودداری می‌کند. کریشنا در مورد وظیفه و جایگاه کار آرجونا در جهان هستی با او سخن می‌گوید، اما در آرجونا تغییری حاصل نمی‌گردد. آرجونا از کریشنا می‌پرسد آیا می‌تواند جهان را آن گونه که هست ببیند؟ کریشنا آرزویش را برآورده می‌کند و به او یک «چشم کیهانی» می‌دهد که به او اجازه می‌دهد خدا و جهان را همانطور که واقعاً هستند ببیند. سپس آرجونا چیزی را تجربه می‌کند که برای خواننده مدرن مانند یک فروپاشی روانی یا یک تجربه روانگردان به نظر برسد. او خدایان، خورشید، زمان و مکان نامتناهی را می‌بیند. او پر از شگفتی، احترام و ترس است. تلاش می‌کند تا شگفتی‌هایی را که می‌بیند توصیف کند. آرجونا می‌گوید: شادی من بسیار زیاد است، اما ترس و لرز مرا آزار می‌دهد (Keltner & Haidt, 2003, p. 298).

در قرآن نیز در مواقف گوناگون از احساس خشیت در این زمینه و با این معنا یاد شده است: اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، می‌دیدید که در برابر آن خاشع می‌شود و از خشیت خدا می‌شکافد (سوره حشر، آیه ۲۱).

محرک احساس خشیت، وقایع و چیزهای مختلفی می‌تواند باشد: از شکوه یک آبشار گرفته تا تولد یک نوزاد یا حتی صحنه‌های تخریب یک ساختمان بزرگ یا رانش زمین. خشیت یک عنصر اساسی در تجربه‌های دینی، سیاست، طبیعت و هنر است. تجارب نادر و زودگذر از خشیت می‌تواند مسیر زندگی را به شکلی عمیق و ماندگار تغییر دهد (Keltner & Haidt, 2003, p. 297). از همین نکته می‌توانیم دریابیم که تعالی یا نوع خاصی از خشیت است یا چیزی به کلی متفاوت از آن زیرا ما غالباً یا مطلقاً در واکنش به درک یک فضیلت یا زیبایی اخلاقی و رفتار



اجتماعی یاریگرانه احساس تعالی را تجربه می‌کنیم نه دیدن یک آسمانخراش عظیم یا آبشار بسیار بلند.

ضمن اینکه احساس خشیت با نوعی احساس کوچک بودن نیز همراه است بنابراین احساس کوچک بودن ناشی از خشیت می‌تواند به سطح بالایی از ابراز احترام به دیگران همراه باشد (Sparks & others, 2019, p. 29). البته، احساس حقارت در برابر دیگران که می‌تواند به خجالت یا خشونت بینجامد غیر از احساس کوچک بودن مضمّر در خشیت است. ما وقتی خشیت را تجربه می‌کنیم واقعاً کوچک بودن خود را احساس می‌کنیم و این احساس واقع‌بینانه است یا فرض ما بر تطابق آن با واقع است حال آنکه در خجالت و احساس حقارت در برابر دیگری اولاً معلوم نیست واقعاً ما در مقابل دیگری کمتر و کوچک‌تر باشیم. ثانیاً حتی اگر چنین باشد ما نباید ارزش‌ها و امتیازات خود را نادیده بگیریم و در روابط انسانی به دلیل خجالت یا حقارت، از استیفای حقوق خود کوتاه بیایم یا کرامت ذاتی خویش را نادیده بگیریم.

نکته دیگر آنکه خشیت فی‌نفسه به اعتلای اخلاقی و تمایل به تغییر نمی‌انجامد و صرفاً به‌فرد، بزرگ بودن منبع خشیت و ناچیز بودن در مقابل آن را عمیقاً یادآور می‌شود (Klebl & others, 2020, p. 5)، اما احساس تعالی به شدت زمینه‌ساز تغییر و برانگیزاننده رفتارهای مثبت و یاریگرانه است.

تعالی	خشیت	سیاسگزاری	محرك
زیبایی‌ها و شگفتی‌های اخلاقی، طبیعی و..	مشاهده شکوه و عظمت پدیده‌های عمدتاً طبیعی	مشاهده یا انتفاع از منافع و خیرات دیگران	محرك
زمینه‌سازی تغییر، رفتارهای مثبت و یاریگرانه	احساس تواضع، احترام و تحیر	تصمیم به تقدیر و/یا جبران	اثر

چارچوب‌های نظری رقیب

الف) تعالی یا خشیت؟ نقد کریستیانسن

کریستیانسن معتقد است هایت در تعریف خود از تعالی به نکته مهمی توجه می‌کند، اما آن را به درستی تحلیل و تفسیر نمی‌کند. برای اثبات این نظر، کریستیانسن می‌گوید احساس تعالی از

منظر هایت یک احساس دگرستایانه است که با اعمال فضیلت‌مندانه یا زیبایی اخلاقی برانگیخته می‌شود و افراد را برمی‌انگیزد تا خود را بهبود بخشند و از طریق تقلید اخلاقی تر عمل کنند. همین «یا» یعنی گویی هایت از دو نوع احساس متمایز سخن می‌گوید تا یک احساس. از همین روی، کریستیانسن برای سهولت کار، تعالی (۱) را از تعالی (۲) تفکیک می‌کند. تعالی (۱) درک و تقدیر از اعمال فضیلت‌مندانه شخصی است. این احساس با اعمال خیریه، قدرشناسی، فداکاری یا هر رفتار فضیلت‌مندانه‌ای که مستقیماً به نفع خود نیست، برانگیخته می‌شود. تعالی (۲) درک و تقدیر از زیبایی اخلاقی یا خوبی / فضیلت فراشخصی است که با خشیت، فراوی از خود، معنویت و حتی درک زیبایی‌شناختی همراه است و شاید بتوان آن را شادی یا لذت از فضیلت نامید.

هایت دو ادعای کلی درباره همه اشکال تعالی دارد که کریستیانسن هیچ یک را قبول ندارد: نخست این که هایت مدعی است احساس متضاد تعالی، انزجار است در حالی که کریستیانسن (همانند زگزبسکی) معتقد است تحقیر در نقطه مقابل تعالی قرار می‌گیرد. دوم اینکه هایت تعالی را به تجربیاتی از خوبی و اخلاق که مستقیماً به نفع خود نیست محدود کرده و به دنبال این است که با این تمهید، این احساس را از یک احساس دگرستایانه‌ی دیگر یعنی احساس سپاسگزاری جدا سازد.

کریستیانسن می‌گوید هایت احتمال بروز همزمان احساسات جداگانه در یک زمان را بسیار پایین می‌داند، حال آنکه دلیلی وجود ندارد که احساس سپاسگزاری نسبت به انجام یک کار خیر که متوجه خود شخص است، احساس تعالی (۱) را در او منتفی کند. یک احساس احتمالاً احساسی دیگر را نیز تقویت می‌کند. به همین ترتیب، غیرقابل قبول به نظر می‌رسد که فرض کنیم تعالی (۲) نیز نمی‌تواند با مثلاً احساس شکرگزاری (آنچه برخی سپاسگزاری از هستی می‌نامند) قابل جمع باشد (Kristjánsson, 2017, p. 27).

در رمان برادران کارامازوف، داستایفسکی، حالت فیودور پالوویچ را پس از آگاهی از مرگ همسر اول و فراری‌اش به گونه‌ای توصیف می‌کند که گویای پیوند و همزمانی برخی احساسات با یکدیگر است:

فیودور پالوویچ خبر مرگ زنش را که می‌شنود در حال مستی به خیابان می‌شتابد، بنای فریادزدن می‌گذارد و دست به آسمان برمی‌دارد: خداوند! اکنون اجازه بفرما این بنده‌ات با دلی آسوده عزم رحیل کند، اما باز به قولی دیگر مانند کودکی خردسال یکریز می‌گریسته، تا بدان حد که به رغم انزجاری که برمی‌انگیخته، به حالش دل



می‌سوزانند. بسی امکان دارد که هر دو روایت درست باشد، یعنی هم از رهایش‌اش شاد شده و هم برای آن زن که مایه رهایش‌اش شد، گریسته باشد (داستایفسکی، ۱۳۹۸، ص ۲۴).

این حالت دوگانه از داشتن تجربه احساسات متضاد را همه ما کم یا زیاد تجربه کرده‌ایم و از این جهت حق با کریستیانسن است و این نقد بر هایت می‌تواند وارد باشد. فراتر از اینها، یک نگرانی کریستیانسن این است که به نظر هایت نمی‌داند که او دو احساس متمایز را با اهداف و مقاصد متفاوت زیر یک چتر آورده است. اگر قرار باشد «تعالی» را به عنوان تعالی (۱) بفهمیم، نسبت به احساس تحسین، چیزی اضافه در چنته ندارد و زائد به نظر می‌رسد. نگرانی دوم وی این است که اگر تعالی به عنوان تعالی (۲) درک شود، بسیاری از آنچه هایت در مورد ماهیت تعالی به طور کلی می‌گوید صادق نیست، بلکه باید به عنوان نوعی خاص از خشیت درک و تحلیل شود (Kristjánsson, 2017, p. 28).

ب) تعالی یا تحسین؟ نقد زگزبسکی

لیندا زگزبسکی معتقد است آنچه هایت و دیگران تعالی می‌نامند در واقع، همان چیزی است که وی آن را تحسین می‌نامد. به باور او، تعالی را می‌توان با احساس تحسین که اساس نظریه اخلاقی الگوگرایانه او را تشکیل می‌دهد برابر دانست. زگزبسکی واکنش عاطفی ما به شخصیت‌های الگو در اخلاق و غیراخلاق را احساس تحسین می‌داند و تفاوت میان این تعالی و تحسین را نمی‌پذیرد (زگزبسکی، ۱۴۰۱، ص ۶۴). هایت معتقد است احساس تحسین سبب می‌شود الگوها و کمالات نااخلاقی مانند مهارت و استعداد را ستایش کنیم، اما تعالی معطوف به الگوها و کمالات اخلاقی است. تحسین، روحیه افراد برای سخت‌کوشی در تحقق استعدادهایشان را بیشتر می‌کند، اما تعالی ما را به الگوگیری از سجایای اخلاقی دیگران سوق می‌دهد. بنابراین اختلاف نظر زگزبسکی و هایت در سه نقطه است:

۱. هایت - بر خلاف زگزبسکی - احساس تعالی را از تحسین جدا می‌داند.
۲. هایت، معتقد است احساس تعالی واکنشی به کمالاتی اخلاقی است که برای فرد منفعت خاصی (به معنای نااخلاقی کلمه) در پی ندارد، اما زگزبسکی بر این باور است که تحسین

یک کمال اخلاقی با سودبخش بودن آن برای ما در تضاد نیست. مثل وقتی که تحسین گذشت یا سخاوتمندی دیگری شامل سخاوت نسبت به من نیز می‌شود.

۳. هایت معتقد است احساس مقابل تعالی، انزجار است، اما زگزبسکی احساس مقابل را نفرت یا تحقیر می‌داند (زگزبسکی، ۱۴۰۱، ص ۶۵).

به نظر می‌رسد اگرچه تحسین و تعالی از جهاتی عواطفی مشابه هستند، اما احساس تعالی متفاوت از احساس تحسین اخلاق است و انصاف حکم می‌کند که در این دعوا باید جانب هایت را گرفت. واقعاً هیچ تحقیقی وجود ندارد یا من از آگاهی ندارم که نشان دهد احساس متضاد تعالی (یا تحسین) تحقیر است. برعکس، مطالعات زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد انزجار مرتبط با تخلفات اخلاقی و واکنشی به آن است و در نتیجه ارکان انزجار در مقابل ارکان احساس تعالی قرار می‌گیرد. علاوه بر این، بر اساس برخی پژوهش‌ها، انزجار، قوی‌ترین پاسخ عاطفی انسان‌ها به رفتارهای غیراخلاقی است حال آنکه تحقیر واکنشی به رفتارهای نامناسب (و نه فقط رفتارهای غیراخلاقی) است (Klebl & others, 2020, p. 4).



تأثیر احساس تعالی بر داوری اخلاقی

تحقیقات تجربی در مورد تعالی چندان پربار نبوده و تازه آغاز شده است. فرضیه‌ای وجود دارد که بر اساس آن، احساسات در راستای ارزیابی‌های زیربنایی و مرتبط با خود، قضاوت‌های اخلاقی را تقویت می‌کنند. یعنی ارزیابی‌های شناختی مرتبط با تجربه یک احساس خاص در طول تجربه آن احساس ادامه و حتی گسترش می‌یابد و قضاوت‌های اخلاقی بعدی و متأثر از آن را سوگیرانه می‌کند. به عنوان مثال، انزجار ممکن است اهمیت نگرانی‌های اجتماعی و اخلاقی در مورد پاکی بدن و خلوص ذهن را تقویت کند. این ممکن است افراد را به قضاوت شدیدتر در مورد نقض استانداردهای پاکی و خلوص سوق دهد و حتی انگیزه‌ای برای پاکسازی ایجاد کند. احساس تعالی نیز ممکن است نگرانی‌های اجتماعی و اخلاقی در مورد فضایل دیگران را تقویت کند و در پی آن، قضاوت‌های مربوط به اعمال اخلاقی فضیلت‌آمیز نامربوط را چنان در ذهن بازنمایی کند که از نظر اخلاقی درست‌تر یا ارزشمندتر ارزیابی شوند. کِلِبل و گروهش تلاش کردند این فرض را از محک تجربه بگذرانند. شرکت‌کنندگانی که فیلم‌های محرک احساس تعالی را تماشا کردند، نسبت به شرکت‌کنندگانی که فیلمی خنثی را دیده بودند، اعمال فضیلت‌مندانه

مشابه را از نظر اخلاقی با فضیلت و ارزشمندتر ارزیابی کردند. این یافته از این فرضیه حمایت می‌کند که تعالی، قضاوت ما درباره فضیلت اخلاقی را تشدید و تقویت می‌کند. این امر نشان دهنده یک رابطه علی دوسویه بین احساس تعالی و قضاوت اخلاقی است. همان گونه که احساس تعالی با ارزیابی اینکه یک عمل از نظر اخلاقی زیبا است، برانگیخته می‌شود، تجربه تعالی نیز بر قضاوت اعمال زیبای اخلاقی تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود که اعمال اخلاقی خوب، خوب‌تر به نظر برسند. بنابراین، فرضیه گفته شده که بر اساس آن، احساسات، قضاوت اخلاقی را بسته به ارزیابی‌های اساسی خود تقویت می‌کنند دست‌کم در مورد احساس تعالی صدق می‌کند (Klebl & others, 2020, p. 14).

تأثیر احساس تعالی بر داوری‌های اخلاقی را از ابعاد دیگری نیز می‌توان بررسی نمود. مثلاً یک گروه تحقیقاتی در پی این بودند که ببینند آیا احساس تعالی می‌تواند تعصبات و پیش‌داوری‌های اخلاقی نظیر جنسیت‌گرایی را مهار کند؟ چون بر اساس پژوهش‌ها افرادی که حساسیت بیشتری در احساس انزجار دارند، جنسیت‌گرایی بیشتری از خود نشان می‌دهند و برانگیختن انزجار منجر به افزایش تبعیض جنسیتی می‌شود. آزمایشگران در چهار مطالعه و از طریق ویدئوهای تعالی‌بخش باعث برانگیختن احساس تعالی شدند و سپس جنسیت‌گرایی را با استفاده از معیارهای ضمنی و صریح اندازه‌گیری کردند. در مقایسه با ویدیوهای کنترل شده‌ای که هیچ حالت عاطفی خاصی را برنمی‌انگیختند، معلوم شد تعالی اخلاقی تبعیض جنسیتی ضمنی و آشکار را کاهش می‌دهد، اما بسیار اندک (Lai, 2014, p. 781). بنابراین، اگرچه احساس تعالی از جهتی در مقابل انزجار قرار دارد، اما از حیث تأثیر بر داوری اخلاقی لزوماً به اندازه آن (ولو در جهت عکس) مؤثر نیست.

فریمن و همکارانش نیز از منظری دیگر با انجام چند مطالعه دریافتند تعالی اخلاقی، تعصبات و پیش‌داوری‌های نژادی ما را کاهش می‌دهد. در بخشی از کار آنها از یک طرح دو گروهی، شامل یک گروه آزمایشی و یک گروه کنترل، استفاده کردند. شرکت‌کنندگان در هر دو گروه یک داستان خبری یک صفحه‌ای را خواندند. نتایج نشان داد اولاً تعالی اخلاقی، حتی با خواندن یا شنیدن یک داستان یا خبر مؤثر نیز می‌تواند برانگیخته شود و ثانیاً مواجهه با زیبایی‌های اخلاقی می‌تواند بر پیش‌داوری‌ها و تعصبات نژادی فائق آمده و آنرا مهار کند (Freeman et al., 2009, p. 80).

ویور و آبرامز در قالب یک پژوهش، سه مطالعه را پی گرفتند تا دریابند که آیا احساس تعالی، رفتارهای یاریگرانه اجتماعی را در سراسر حوزه‌های اخلاقی افزایش می‌دهد یا اینکه تأثیرات

اجتماعی آنها محدود به حوزه‌ای خاص است. نتایج آزمایش ۱ نشان داد که تعالی کمک‌های مالی به امور خیریه (یعنی حوزه خیرخواهی) را افزایش داد، اما آزمایش ۲ و ۳ نشان داد که این احساس، انگیزه کنشگری سیاسی-اجتماعی و عدالت‌طلبی را افزایش نمی‌دهد. این تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه تعالی میل به کمک به دیگران را القا می‌کند، اما تأثیر مثبت آن در همه حیطه‌های رفتاری یکسان نیست (Vyver & Abrams, 2015, p. 2).

مطالعات نشان می‌دهد که برخی افراد ممکن است بیشتر از دیگران ظرفیت تجربه احساس تعالی را داشته باشند. یکی از مقولاتی که این مسئله را می‌تواند تا حدی توضیح می‌دهد (یعنی این که چرا برخی افراد بیشتر از دیگران تحت تأثیر اعمال خیر اخلاقی خارق‌العاده قرار می‌گیرند) هویت اخلاقی افراد است، اما هویت اخلاقی چیست؟ هویت اخلاقی به عنوان درجه‌ای تعریف شده است که شخصیت اخلاقی یک فرد به عنوان بخش مرکزی از خودپنداره کلی او تجربه می‌شود. هویت اخلاقی به عنوان یک سازه مفید در روان‌شناسی رشد، اجتماعی و سازمانی برای تبیین جنبه‌های مختلف عملکرد اخلاقی پدیدار شده است. هویت اخلاقی یک عامل تعیین‌کننده قابل اعتماد برای رفتار اخلاقی است و تعداد فزاینده‌ای از شواهد تجربی این ادعا را تأیید می‌کند. همچنین شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه افرادی که هویت اخلاقی برای آنها مبنای مهمی در تعریف خود است (در مقابل کسانی که هویت اخلاقی برای آنها اهمیت کمی دارد) رفتارهای امدادگرانه بیشتری از خود نشان می‌دهند. بر اساس شواهد تجربی و شرح‌های نظری اخیر درباره نقش هویت اخلاقی در عملکرد اخلاقی، دلایلی وجود دارد که می‌تواند تا حدی پاسخ‌های افراد را به مشاهده اعمال خیر اخلاقی غیر معمول توضیح دهد. آکوئینو و همکارانش این امکان را در چهار مطالعه با استفاده از عملیاتی‌سازی‌های مختلف یک عمل خیر غیر معمول و اندازه‌گیری چندین حالت درونی که نظریه‌پردازان با تجربه تعالی اخلاقی مرتبط کرده‌اند، آزمایش کردند (Aquino & others, 2011, p. 704).

برخی موقعیت‌ها ممکن است دسترسی شناختی فرد به هویت اخلاقی‌اش را افزایش دهد. برای مثال، طبق برخی پژوهش‌ها، درخواست از مردم برای به یاد آوردن ده فرمان، هویت اخلاقی را نسبتاً برجسته‌تر از هویت‌های دیگر می‌کند، که به نوبه خود بر نیت رفتاری افراد برای رفتار اخلاقی تأثیر می‌گذارد (Aquino & others, 2011, p. 705). بر اساس یافته‌ها، هنگامی که افراد در معرض یک عمل خیر اخلاقی غیر معمول قرار می‌گیرند، هرچه هویت اخلاقی آنها پررنگ‌تر باشد، احساس تعالی بیشتری از خود بروز خواهند داد. توجه به این نکته حائز اهمیت است که این



واکنش در قبال خوبی‌های اخلاقی غیر معمول و فوق‌العاده نشان داده می‌شود و نه رفتارهای اخلاقی پیش پا افتاده یا معمول و پرتکرار نظیر غروب زیبای خورشید (Aquino & others, 2011, p. 707). نکته جالب توجه اینکه مطالعات سه‌گانه انجام شده توسط یاریتو^۱ شواهدی ارائه می‌دهند که نه فقط نشان می‌دهد تجربه تعالی تأثیر مثبتی بر رفتار اجتماعی افراد دارد بلکه نتایج سه مطالعه (با مشارک ۲۶۷ بزرگسال از اسپانیا؛ ۰۳٪ زن) نشان می‌دهد الف) ویژگی تعالی با اسنادهای علی درونی در مورد رفتار دیگران همبستگی دارد، ب) تجربه تعالی بر اسنادهای علی در مورد رفتار دیگران تأثیر می‌گذارد، و ج) تجربه تعالی می‌تواند سوگیری خطای بنیادی انتساب را کاهش دهد (Yarritu, 2024, p. 18).

در مجموع می‌توان گفت بر اساس پژوهش‌های گوناگون، احساس تعالی بر داوری اخلاقی ما تأثیری مثبت و نیکو دارد زیرا تعالی، قضاوت ما درباره فضیلت اخلاقی را تقویت می‌کند و باعث می‌شود که اعمال اخلاقی خوب، خوب‌تر به نظر برسند. ضمن اینکه تعالی اخلاقی تبعیض جنسیتی ضمنی و آشکار را کاهش می‌دهد (اگرچه بسیار ناچیز) و داوری‌های اخلاقی جنسیت‌زده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فراتر از این، این احساس، داوری‌های نژادی را نیز مهار می‌کند و حتی تمایل به خیررساندن به افرادی از نژاد دیگر (که در ذهن فرد مادون تلقی می‌شود) را افزایش می‌دهد، اما شاید تأمل برانگیزترین تأثیر احساس تعالی بر داوری اخلاقی (در میان موارد اثبات شده به لحاظ تجربی) تأثیر این احساس بر کنترل سوگیری خطای بنیادین انتساب^۲ باشد. بخش قابل توجهی از داوری‌های اخلاقی روزمره ما آمیخته با آلوده به این سوگیری است. این خطا یا سوگیری شناختی به معنای بیش از حد برآورد کردن نقش عناصر شخصیتی یک فرد و دست‌کم گرفتن عوامل موقعیتی در مقام قضاوت و تحلیل رفتار او است. احساس تعالی، سبب می‌شود ما نقش موقعیت و شرایط دیگری را بیش از پیش درک کنیم و بیهوده هر اتفاق یا رفتاری را به اساس و بنیان‌های شخصیتی او نسبت ندهیم.

نتیجه‌گیری

ما برای قرن‌ها احساس تعالی را تجربه کرده‌ایم و تحت تأثیر آن، کم یا بیش، به سوی رفتار اخلاقی گرایش بیشتری یافته‌ایم. اگرچه افلاطون در رساله مهمانی به این احساس اشاره‌ای گذرا

1. Yarritu

2. fundamental attribution error

دارد، اما در گذر زمان و تا پیش از تامل جفرسون، کمتر این احساس به صورت خاص مورد تأمل قرار گرفته است. البته، تذکره‌نویسان و اهالی عرفان شرقی و دینی از این نکته چندان هم غافل نبوده‌اند و مطالعه احوال عارفان واصل را الهام‌بخش می‌دانستند، اما می‌توان گفت تا آغاز قرن بیست و یکم، احساس تعالی کمتر به عنوان یک احساس، آن هم احساس اخلاقی، مورد پژوهش یا پیمایش مستقل مورد واکاوی قرار گرفته است.

در مقام جمع‌بندی آنچه گفته شد باید تأکید کرد محرک اصلی احساس تعالی نمی‌تواند آن‌گونه که در ادبیات بحث رواج یافته و مسلم انگاشته شده، تنها رفتار اجتماعی یاریگرانه و استثنایی باشد. البته، استثنایی بودن محرک احساس تعالی چندان قابل تردید نیست و تجربه شخصی من و شما نیز نشان می‌دهد رفتارها یا رویدادهایی قابل پیش‌بینی و عادی به تحریک حس تعالی نمی‌انجامد، اما در مورد رفتار یاریگرانه‌ی اجتماعی تأمل بیشتری باید به خرج داد. اگر رفتار یاریگرانه‌ی اجتماعی به معنای فایده‌رسانی به دیگران با قبول هزینه آن باشد بی‌گمان مشاهده چنین رفتاری می‌تواند احساس تعالی را در دیگران برانگیزاند به ویژه آنکه این یاریگری غیرمنتظره، برجسته و غافلگیرکننده باشد، اما آیا محرک احساس تعالی را می‌توان با قاطعیت تنها در همین سنخ از رفتار اجتماعی یا اخلاقی خلاصه کرد؟ مشکل در این حصر غیرمنطقی است. به عنوان مثال آیا مشاهده مراقبات عمیق یک راهب بودایی یا نماز توأم با خشوع و خشیت یک مسلمان نمی‌تواند احساس تعالی را در دیگری برانگیزد؟ اگر چنین باشد به هیچ نحو نمی‌توان این رفتارها را نمونه‌ای از رفتارهای یاریگرانه‌ی اجتماعی قلمداد کرد.

احساس تعالی محدودیت‌هایی دارد که نباید از نظر دور بماند. تأثیر این احساس در همه حیطه‌های رفتاری یکسان نیست. دست‌کم بر اساس پژوهش‌های کنونی، احساس تعالی تأثیر چندانی بر رفتارهای عدالت‌طلبانه یا اعتراضی ندارد. ضمن آنکه همه افراد نیز به یک اندازه از این احساس اثر نمی‌پذیرند و بسته به شدت یا ضعف هویت و یا حساسیت اخلاقی آنها این احساس تأثیری متفاوت بر افراد می‌نهد.

در مجموع می‌توان گفت:

۱. محرک احساس تعالی محصور در رفتارهای یاریگرانه‌ی اجتماعی نیست.
۲. همه رفتارهای یاریگرانه‌ی اجتماعی نیز محرک احساس تعالی نیستند.
۳. در شرایط یکسان، همه افراد به یک میزان تحت تأثیر احساس تعالی قرار نمی‌گیرند.



فهرست منابع

- افلاطون. (۱۴۰۱). دوره آثار افلاطون. (ج ۱، ترجمه: محمد حسین لطفی، رضا کاویانی). شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- زگزبسیکی، لیندا. (۱۴۰۱). الگوگرایی در اخلاق. (ترجمه: امیرحسین خداپرست). نشر کرگدن.
- داستایفسکی، فنودور. (۱۳۹۸). برادران کارامازوف. (ج ۱، ترجمه: صالح حسینی). نشر ناهید.
- صادقی، مسعود. (۱۴۰۴). معنا و ابعاد اخلاقی سپاسگزار فصلنامه اخلاقی پژوهی، 8(2)، 5-26. doi:10.22034/ethics.2025.52056.1800
- Algoe, S. B., & Haidt, J. (2009). Witnessing excellence in action: The 'other-praising' emotions of elevation, gratitude, and admiration. *The journal of positive psychology*, 4(2), 105-127.
- Ali, S. (2021). *Exploring the prosocial effects of moral elevation in middle childhood and early adolescence* (Doctoral dissertation, University of Kent).
- Aquino, K., McFerran, B., & Laven, M. (2011). Moral identity and the experience of moral elevation in response to acts of uncommon goodness. *Journal of personality and social psychology*, 100(4), 703.
- Diessner, R., Rust, T., Solom, R. C., Frost, N., & Parsons, L. (2006). Beauty and hope: A moral beauty intervention. *Journal of Moral Education*, 35(3), 301-317.
- Freeman, D., Aquino, K., & McFerran, B. (2009). Overcoming beneficiary race as an impediment to charitable donations: Social dominance orientation, the experience of moral elevation, and donation behavior. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 35(1), 72-84.
- Gibhardt, S., Hepach, R., & Henderson, A. M. (2024). Observing prosociality and talent: the emotional characteristics and behavioral outcomes of elevation and admiration in 6.5-to 8.5-year-old children. *Frontiers in Psychology*, 15, 1392331.
- Haidt, J. (2000). *The Positive emotion of elevation*. *Prevention & Treatment*, Volume 3, Article 3.
- Keltner, D., & Haidt, J. (2003). Approaching awe, a moral, spiritual, and aesthetic emotion. *Cognition and emotion*, 17(2), 297-314.
- Keyes (Vol. Eds.), *Flourishing: Positive psychology and the life well-lived*: Vol. 275, (pp. 275-289). Washington, DC: Am. Psychol. Assoc.
- Klebl, C., Dziobek, I., & Diessner, R. (2020). The role of elevation in moral judgment. *Journal of Moral Education*, 49(2), 158-176.
- Kristjánsson, K. (2017). Emotions targeting moral exemplarity: Making sense of the logical geography of admiration, emulation and elevation. *Theory and*



۴۸

فصلنامه علمی-پژوهشی اخلاقی پژوهی
سال نهم
شماره اول
بهار ۱۴۰۵

Research in Education, 15(1), 20-37.

- Lai, C. K., Haidt, J., & Nosek, B. A. (2014). Moral elevation reduces prejudice against gay men. *Cognition & emotion*, 28(5), 781-794.
- McGuire, A. p., Fagan, J. G., Howard, B. A. N., Wurm, A. I., & Szabo, Y. Z. (2022). Changes in trauma-related cognitions and emotions after eliciting moral elevation: examining the effects of viewing others' virtuous behavior on veterans with PTSD. *Frontiers in health services*, 1, 831032.
- Schnall, S., & Roper, J. (2012). Elevation puts moral values into action. *Social Psychological and Personality Science*, 3(3), 373-378.
- Schnall, S., Roper, J., & Fessler, D. M. (2010). Elevation leads to altruistic behavior. *Psychological science*, 21(3), 315-320.
- Silvers, J. A., & Haidt, J. (2008). Moral elevation can induce nursing. *Emotion*, 8(2), 291.
- Sparks, A. M., Fessler, D. M., & Holbrook, C. (2019). Elevation, an emotion for prosocial contagion, is experienced more strongly by those with greater expectations of the cooperativeness of others. *PloS one*, 14(12), e0226071.
- Thomson, A. L., & Siegel, J. T. (2017). Elevation: A review of scholarship on a moral and other-praising emotion. *The Journal of Positive Psychology*, 12(6), 628-638.
- Van de Vyver, J., & Abrams, D. (2015). Testing the prosocial effectiveness of the prototypical moral emotions: Elevation increases benevolent behaviors and outrage increases justice behaviors. *Journal of Experimental Social Psychology*, 58, 23-33.
- Van de Vyver, J., & Abrams, D. (2017). Is moral elevation an approach-oriented emotion? *The Journal of Positive Psychology*, 12(2), 178-185.
- Vianello, M., Galliani, E. M., & Haidt, J. (2010). Elevation at work: The effects of leaders' moral excellence. *The Journal of Positive Psychology*, 5(5), 390-411.
- Waddell, T. F. (2019). When inspiration comes with baggage: how prior moral transgressions affect feelings of elevation and disgust. *Communication Research Reports*, 36(4), 277-286.
- Yao, Z., & Enright, R. (2018). The role of consequences of moral action in maximizing moral elevation. *Journal of Moral Education*, 47(4), 451-465.
- Yarritu, Ion. (2024). Moral elevation affects the causal attributions about others' behavior. *The Journal of Positive Psychology*, 19(3), 430-441.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی